

احمد اقتداری

محاكمه خلیج فارس نویسان

تألیف دکتر سید احمد مدنی، انتشارات توس، تهران، ۱۳۵۷ شمسی
صفحه ۱۶۶

از پانزده سال پیش به این سوی تحقیقات و تنبغات آقای دکتر سید احمد مدنی درباره مسائل علمی و تاریخی خلیج فارس مورد توجه و علاقه و دقت نظر متخصصان «خلیج فارس شناس» و علوم وابسته بدان بوده است .

کتاب محاكمه خلیج فارس نویسان دارای یک پیش گفتار و شانزده فصل است : خلیج فارس نویسان ، نام خلیج فارس ، پاسخی دیگر : دریانوردی ایرانیان ، تلاش های پراکنده ، برداشت گام های علمی ، دوران انحطاط ، پرتو پیروزی ، طوفان برفراز هرمز ، دژی تسخیر ناپذیر ، درخششی دیگر ، خلیج فارس در پهنه کارزار ، تلاشی پس از رکود ، به سوی سقوط ، داستان راهزنان دریائی ، برده گری و قاچاق اسلحه . ب علاوه کتاب دارای چند نقشه مشهور و مهم و معتبر مانند نقشه اراتوستن ، نقشه بطلمیوس ، نقشه بلاد العرب ، اطلس عمومی چاپ هاشت ، نقشه جهان ابوریحان بیرونی ، نقشه جهان عرب بطلمیوس ، نقشه جهان هنریکوس مارتلوس ، اطلس تاریخی اسلام ، نقشه های ممالک اسلامی در دوران خلفاء عباسی است .

با مطالعه پیشگفتار کتاب علت نام گذاری کتاب «محاكمه خلیج فارس نویسان» را در می یابیم :

« چون خلیج فارس نویسان بیشتر بیگانگان بوده اند تا ایرانیان ، و در میان آنان نیز همگان بی طرفی را رعایت نکرده اند ، یعنی نویسندگانی سیاسی بوده اند تا محققانی پژوهشگر و پژوهنده ، به همین مناسبت ، دانسته یا ندانسته ، گاه به گاه از واقعیت و حقیقت مسائل دور افتاده اند . لذا نیاز بود که تحلیلی از گفته و نوشته آنان به عمل آید . این است که مجلد یکم کتاب خلیج فارس اختصاص به محاكمه خلیج فارس نویسان داده شد ولی به دلائل زیر همه بیگانگان که در مورد خلیج فارس بررسی و پژوهشی کرده اند به محاكمه

کشانیده نشده اند. و در سطور آخر این پیشگفتار آمده است: «... بنا بر این در این نوشته به اصل یعنی نویسندگان انگلیسی زبان، آن هم بطور نمونه اشاره گردیده و کتب دیگر مورخان سیاسی مغرب زمین مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است.»

تعلق خاطر مولف کتاب نسبت به مسائل اجتماعی اقتصادی و سیاسی و خلیج فارس و بحث و تحقیق آن مسائل از قسمت دیگری از پیش گفتار مولف بخوبی آشکار است: «فرزندان وطن گرامی ما ایران نیز بایستی بدانند که خلیج فارس مهمترین مرکز حساس و ثروت زای کشور می باشد و همین کرانه های شرربار و آذرخیز خلیج فارس و همین آب شور دریاست که سیل ثروت را به سوی جامعه ما سرازیر خواهد کرد. ایرانی چنانچه بخواهد سطح زندگی از آنچه هست بالاتر رود و از لذائذ زندگی آنها هم به راههای اصولی و درست برخوردار گردد، باید نتیجه بخش تر به سوی خلیج فارس که در پهنه، درون و بستر آن ثروتی بیکران خوابیده است روی آورد و به زندگی پرکار سخت دریا که بدنبال خود آسایش هستی آفرینی را بیار خواهد آورد، تن در دهد و بیش از گذشته و حال خود را وابسته به خلیج فارس بداند، آن هم با عمل نه با حرف.»

مؤلف در صفحه ۱۴ کتاب نوشته است: «..... اعتراض و پرخاش ما فقط به سوی آن گروه از خاورشناسانی است که بساط استعمار را در جهان گسترانیده و حقایق را وارنه جلوه داده اند. در این نوشته هم تنها خلیج فارس نویسانی به محاکمه کشانیده شده اند که زیر کاسه نیم کاسه ای داشته اند، و گرنه صاحب نظران و دانشمندان پاک نظر اروپائی یا امریکائی مقامی بسیار والا دارند و بویژه در پیشگاه دانش همواره گرامی خواهند بود.»

همین احترام باصالت علم و حیثیت عالم او را به بحث و نقد در نوشته هایی که برخلاف صحت و دقت درباره مسائل و مواضع خلیج فارس اظهار نظر کرده اند وا داشته است. از میان نوشته هایی که در این کتاب مورد انتقاد و ایراد و اعتراض علمی مؤلف قرار گرفته است کتاب «سواحل دزدان دریائی»، تألیف سر چارلز بلگریو نماینده دولت انگلیس از ۱۹۲۶ تا ۱۹۵۷ در خلیج فارس است. سخن لرد بلگریو که مورد توجه مؤلف کتاب محاکمه خلیج فارس نویسان واقع شده و او را به محاکمه کشانیده است، جعل عنوان خلیج العربی برای دریای پارس است که با وجود دانستن زبان عربی و با وجود دسترسی به

صدها کتاب در زبان عربی و غیر عربی و متون جغرافیائی هزار ساله که در آنها خلیج فارس، خلیج الفارسی، خلیج العجم، و بحر فارس ذکر شده‌اند سیاستمدار مزبور نخستین کارگزاری است که خلیج العربی را به جای خلیج فارس ابداع کرد و در نوشته‌های خویش بکار برد و به تازی زبانان آموخت، مدنی در رد ابداع این لرد سیاستمدار انگلیسی که به سلیقه خود نام جغرافیائی مشهور و معروفی را که از حدود سه هزار سال پیش دریای پارس و خلیج پارس و آب و خاکمی مربوط پیاریان نامگزاری شده است تغییر داده است تا موجبی بر موجبات اختلاف ساکنان اطراف این دریای پر گفتگو بیفزاید، عالمانه و متکی بر شواهد فرهنگ مادی و عینی و نقشه‌ها و کتب جغرافیائی از دیرباز یعنی از زمان یونانیها و رومی‌ها به نقل قول و نوشته پرداخته و با ارائه اسناد ترسیمی یعنی نقشه‌های معتبر قدیمه، جعل لرد بلگریو را مردود شناخته است. و حتی به قول خود بلگریو در نقشه «راهنمای مجمع الجزائر بحرین در خلیج فارس» که بزبان انگلیسی در جزوه «به بحرین خوش آمدید» چاپ ۱۹۵۵ لندن، چاپ شده است استناد جسته و نظر علمی بلگریو را در اثری که بسال ۱۹۵۵ چاپ کرده است صحیح و معتبر دانسته و اثر دیگرش را که کتاب «سواحل دزدان دریائی» نام دارد و به سال ۱۹۶۶ بزبان انگلیسی در لندن چاپ کرده است درباره نام خلیج فارس که به نادرست با عنوان معمول «خلیج العربی» ذکر کرده است، کاملاً مغایر و متفاوت با نظر خود او در اثر سال ۱۹۵۵ وی بازشناسانده است و نتیجه گرفته است: «پر آشکار است که لرد بلگریو همه اسناد را در اختیار داشت و برمتون آنها نیز استادانه آگاه بود، چیزی که هست چنانچه واقعیت و حقیقت را می‌نوشت در آن صورت دیگر که نمی‌شود با جنک الفاظ، دو ملت هم کیش و برادر ایرانی و عرب را رویاروی یکدیگر نگاه داشت و آب را گل آلود کرده ماهی گرفت (صفحه ۲۱). مؤلف بدنبال این مقال فصل خاصی را درباره «نام خلیج فارس» در کتاب خود اختصاص داده و از نام این دریای کهن در کتیبه داریوش اول در کانال سوئز تا مکتوبه سخنرانی دکتر جواد مشکور در سیمینار خلیج فارس تقریباً همه اقوال و نوشته های معتبر را بازگو کرده است: «بطور کلی همه تاریخ نویسان و جغرافی دانان جهان چه در عهد باستان، چه در قرون وسطی و یا دوران معاصر، از خلیج فارس به اسامی دریای فارس، خلیج فارس و خلیج العجم نام برده‌اند و جز این نامی دیگر معمول نداشته‌اند و بهترین دلیل این مدعا هم آثار برجای

مانده آنان است .

اگر چه مؤلف خود در پیشگفتار کتاب چنانچه نقل شد ، نوشته است که تنها آندسته از نویسندگان انگلیسی زبان را که مفرض بوده اند « به محاکمه کشیده است . » ولی برای خواننده‌ای چون مخلص که خود در این مقولات دل بر آتش سوزان دارم آرزو کردنی است که مؤلف کتابهای دیگری که بشماراز پنجاه شصت کتاب اروپائی و عربی جدید افزون است هم می‌دیدید و بر نظرات و اغراض آنها هم آگاهی می‌یافت و عقائد و دلائل اساس آن کتابها را هم در زیر ذره بین تحقیق می‌گذاشت تا بخصوص در باره موضوعاتی که مؤلف اساس ادعا نامه خود قرار داده است مانند همین عنوان خلیج العربی اقوال و آراء و عقائد و مذاقه علمی گروه وسیعی را که بدیهی است همه آنها در « دادگاه » ایشان عنوان متهم و مجرم نمی‌گرفتند و چه بسیار که تعداد زیادی از آن نویسندگان عنوان شاهد و گواه می‌یافتند ، نیز اطلاعات و گواهیهای دست اول و معتبر در اختیار خواننده قرار می‌دادند . مثلاً طرد اللباب برای آگاهی دوست فاضل ارجمتم د کترمدنی اشاره‌ای می‌کنم که به سال ۱۹۵۹ میلادی از مؤسسه انتشاراتی پاپو در پاریس کتابی با نام « خلیج فارس » بزبان فرانسوی منتشر شد که مؤلفش (ژان ژاک بره‌بی) ^۱ عضو مرکز مطالعات عالیّه در باره افریقا و آسیای جدید در دانشگاه پاریس است . این کتاب در سالهای بی خبری اخیر ، در بیروت بزبان عربی ترجمه و با نام خلیج عربی منتشر شد و مترجم و ناشر آن با وقاحتی تمام در مقدمه کتاب نوشتند که چون نام اصلی کتاب خلیج فارس بوده است و این نام را آنها قبول ندارند بدون کسب نظر مؤلف نام کتاب را به خلیج عربی تغییر داده‌اند . در صفحه ۲۳ کتاب « خلیج فارس » مؤلف هوشیار و آینده‌نگر جامعه شناس فرانسوی زیر نقشه « خلیج فارس در دنیای قدیم » نوشته است : « ایرانی ، انگلیسی ، عربی یا . . . [سرانجام خلیج یا دریائی با نام و مالکیت] اتحاد جماهیر شوروی . »

راستی را که چنین نیست ؟ و با اینکه از منجیق فلک سنگ قنّه می‌بارد ، ما ایرانیان ابلهانه با بگینه حصار نمی‌گریزیم ؟ آیا ما ملل شرق جاهل و غافل و گرسنه و درمانده و کم اطلاع در چنبره وحشتناک خورد کننده اختاپوس هول انگیزی که در اقیانوس جهان ما سخت بالیده و برزگ و تنومند شده و ما را

1 - J . J . Berreby, Le Golf Persique, Mère de legende. Reservoir de Pétrole. Payot , Paris 1959.

در چنگال و دندان خود سخت بی جان و ناتوان ساخته و نامش «جهان قدرتمند و پیشرفته» است، خورد نخواهیم شد؟ و آیا همه چیز، راستی را همه چیز ما از موارث فرهنگی چند هزار ساله گرفته تا زبان و هنر و قومیت و ملیت و دین و آئین و اقتصاد و سیاست و فکر و فلسفه ما، بازیچه امیال حساب شده قدرتمندان عرصه سیاست نیست؟

با سرسخن باز آئیم. مدنی سخنی را که سرچارلز بلگر از کتاب خلیج فارس سرارنولد ویلسن نقل کرده و جنگ شاپوردوم شهریار ساسانی با اعراب هجر و قتیف و احساء و بحرین را از زبان آن دو مؤلف انگلیسی که لقب شاپور ذوالاکتاف را بمناسبت سوراخ کردن شانه های تازیان و بیداد و ستم شاپور بر آنان نوشته اند، بازگو کرده و در رد این نظرات در توجیه لقب ذوالاکتاف به اقوال و نوشته های مورخان و بحث کوتاهی در لغت شناسی به «هویه سنبان» که همان ذوالاکتاف یا «شانه سوراخ» است توجه نموده است و به نظرات پزشکی عدم امکان کشتنیدن آنهمه اسیر کتف سوراخ را مدت طولانی دریا با نهی هجر و قتیف تا بداخله ایران اشاره کرده است. سپس به مفروض بودن لرد کرزن در اظهار عقیده راجع به دریا نوردی ایرانیان اشاره نموده و کرزن نوشته است: «قلمفرسائی در خصوص دریا نوردی ایرانیان مانند آنست که کسی بخواد راجع به مارهای ایسلند کتابی بنویسد.» و پس از بیان نظرات این مؤلفان انگلیسی زبان که همه آنها هم اهل سیاست و عامل سیاسی انگلیس در مشرق بوده اند می نویسد: «این نیز گفته شود که چنین دسته ای از تاریخ نویسان سیاسی یعنی لرد کرزن، سرارنولد ویلسن، لرد بلگرو سرفرانسیس اسکین، لاک و سیاستمداران دیگری همچون نامبردگان، آنچنان ماهرانه و استادانه، نه مجعولات تاریخی را ابلائی نوشته های خود گنجانیده و به عنوان حقایق جای داده اند که نویسندگان پژوهشگر با انصافی همانند جان مارلو هم به گمراهی کشتانیده شده اند، زیرا نامبرده نیز یادآور شده است که اسکندر مقدونی نخستین کسی بود که به کاوش های دریائی و شناخت دریای پارس پرداخت. گویا جان مارلو فراموش کرده است که دو قرن پیش از آنکه اسکندر مقدونی به هستی آید و بدین اندیشه افند داریوش یکم پس از پیروزی در مصر و در راه گشودن هندو به دریا سالارش «سیلاکس کاریانندی» دستور داد تا بحریه ای بر کرانه رودسند

بنیاد نهد و سپس به کاوش راههای دریائی از هند تا مصر پردازد. »

در این مقوله از سخن باید توجه فاضل گرامی مؤلف دلسوزد و پرحوصله کتاب محاکمه خلیج فارس نویسان را بدین نکته جلب کنم که نه تنها این دو سه مؤلف انگلیسی زبان هستند که حقایق تاریخی و گهگاه واقعیت های جغرافیائی و جغرافیای طبیعی و اعلام زبانشناسی و قه‌الته ایرانی را از بیخ و بن تحریف کرده اند، شاید بیش از دهها نویسنده اهل سیاست یا غیر اهل سیاست اروپائی و امریکائی و روسی (البته کمتر) و عرب زبان و افریقائی نیز وجود دارند که همه و همه در تحریف حقایق تاریخی و جغرافیای طبیعی و جامعه شناسی و زبانشناسی و مردم شناسی نواحی خلیج فارس و دریای عمان دانسته و ندانسته به تبعیت از سیاست های اواخر قرن بیستم میلادی حاکم بر خلیج فارس و اطراف منطقه کوشیده اند. مدنی خود از معدود کسانی است که اسناد و مدارک فراوان درباره خلیج فارس خوانده است و شاید درباره مسائل جدید خلیج فارس یعنی آنچه در صد سال اخیر بر خلیج فارس و دریای عمان و بحر احمر و سواحل و شرق افریقا گذشته است، محققانی چون مدنی از شمار انگشت یکدست تجاوز نکنند، و این مؤلف بهتر میدانند که همه آنچه بر سواحل متصالح و سرزمین عمان و کویت و احساء و بحرین و جزائر تبب بزرگ و کوچک و ابوموسی و باسعید و جزیره هنگام و بندر عباس و بندر لنکه و بوشهر و خرمشهر و اهواز و بصره و مسقط گذشته است، جز تبعیت از همان سیاست حاکم نبوده است. مدنی خوب میدانند که بهانه امنیت و حریم هندوستان و حفظ منافع دولت انگلستان و سپس مسئله نفت و استخراج و استحصال و حمل و نقل آن چگونه نقش اساسی و قطعی در سر نوشت این آبها و خاکها و ملت ها بازی کرده است. پس توجه به اشتباهات عمدی یا سهوی معدود محقق انگلیسی زبان و به محاکمه کشیدن آنها در این کتاب، ضمن آنکه آگاهی فرزندان وطن ما را زیاد می کند رافع مشکلات و احیاء کننده واقیعت ضروری و حیاتی و فوری منطقه نیست. دست استعمار پنج انگشت وده انگشت ندارد. این اژدهای هفت سر را هزاران دست و دندان است. راستی را که شما آقای مدنی مؤلف محقق مسلمان ایران دوست، هیچ فکر کرده اید که همین برادران مسلمان عرب زبان من و شما در گوشه و کنار جهان عرب دور نزدیک چه کتابها درباره خلیج فارس در سالهای اخیر نوشته اند و چه تحریفات و تحریکات مفرضانه غیر علمی و غیر منطقی حتی در نام خلیج فارس نموده اند و چگونه جعل و ابداع و تزویر در تحریر و تنظیم و نقل

و بحث مطالب کتابشان بکار بسته اند تا مثلاً نام خليج فارس را خليج عربي و اعلام ایرانی تاريخ کهن پرماجرای اقیانوس هند را غیر ایرانی جلوه دهند. پس اجازه فرمائید چند سطرى هم من بسر کتاب « محاكمة خليج فارس نویسان » شما بیفزایم: شهاب الدین احمد بن ماجد جلفاری دریا نوردی شیعه و ایرانی الاصل است که راهنمای و اسکوداگا مادر اقیانوس هند بوده و شما خودتان خوب میدانید که اگر او نبود و اسکوداگاما موفق به کشف هند از راه دریای شرق افریقا نمی شد و خوب میدانید که او را کتاب مشهوری است بنام « الفوائد فی اصول علم البحر و القواعد » و بحدود سی و هفت یا سی و هشت رساله دریا نوردی و ارجوزه های بحری از او شناخته شده است . یکی از آن رسالات دریائی بنام اصلی آن « ارجوزه برالعرب فی خليج فارس » در تحقیقات گابریل فرانز و شومسکی و دیگران شناخته شده است .

به سال ۱۹۷۱ میلادی برابر ۱۳۹۰ هجری قمری دکتر ابراهیم خوری وعزه حسن استادان دانشگاه دمشق کتاب الفوائد فی اصول علم البحر و القواعد ابن ماجدرا تحشیه و تصحیح کرده و در سلسله انتشارات العلوم البحریه عند العرب در دمشق چاپ کرده اند و نه تنها او را شهاب الدین احمد بن ماجد النجدی وصف کرده اند، بلکه در صفحه اول (تمهید) کتاب در ذکر مؤلفات ابن ماجد نوشته اند :

« و لابن ماجد مؤلفات عدیده ، و صلنامنها :

۱- ارجوزه بر العرب وهی قصیده مؤلفة من سمة بیت ، تستعرض بنوع خاص مطالب الجزر المشهورة فی خليج العربي ، و بعد در ذیل همان صفحه با شماره ۱ توضیح داده است :

« العنوان الكامل : ارجوزه برالعرب فی خليج فارس ». همین شارحین مصحح یعنی آقایان ابراهیم خوری و عزة حسن کتابهای دیگری هم از جمله کتب سلیمان مهري هم در همین مجموعه چاپ کرده اند مانند المنهاج الفاخر فی علم البحر الزاخر و العمدة المهرية فی ضبط العلوم البحریة و رسالات قلادة الشمس و تحفة الفحول و امثال آنها و در تمام آنها نام اصلی خليج فارس را به نام جعلی العربي برگرداند و با وقاحت کم نظیری خود توضیح برای این تغییر در متن کتب و رسالاتی که حدود پانصد سال پیش از آنها نوشته شده است داده اند . همین گستاخی عجیب و واقفاً بی سابقه در دنیای علم و تحقیق موجب آن شده است که یک محقق انگلیسی بنام . جی . آر . تینیس کتاب الفوائد ابن ماجد را بزبان انگلیسی ترجمه نموده و آنرا بنام « دریا نوردی عرب در اقیانوس

هند قبل از آمدن پرتغالیان^۱ بوسیله انجمن سلطنتی آسیائی بریتانیا و با کمک اوقاف گیپ درلندن چاپ کند.

این ترجمه یا بهتر بگویم این مؤلف انگلیسی که دانشمندی محقق است به تبعیت از آن استادان عرب زبان یا سایر عرب زبانان سعی کرده است همه جا فرهنگ و تاریخ و هنر و فن و مهارت و کار و اندیشه ایرانی را تحریف کند، مقلوب نماید و خراب کند تا جائی که مثلاً کلمه سرهنگ را با سریش و سریشم بزبانهای قبائل اندونزی و این سو و آنسوی جهان کشانیده و آنرا از ردیف لغات ایرانی و فارسی خارج کرده تا بگوید که ایرانیان در دریا نوردی اقیانوس هند فعال نبوده اند و اثری از آنها در فنون دریائی این سامان نیست و لامحاله باید برای لغاتی امثال سرهنگ و لنگر وزیر باد و خن و آبخوری و میخ و مهتاب و هزاران لغت دیگر که در زبان دریانوردان اقیانوس هند و شرق آفریقا رایج بوده و هست شناسنامه دیگری ساخت و آنرا از دسته زبانهای ایرانی و فارسی خارج ساخت. با این ترتیب شما دیگر توقع دارید مثلاً کرزن و کاپتن استیف ویلسن و سایر فرماندهان نظامی اقیانوس هند برای احراز حقایق تاریخی و زبان شناسی بیاری ما سرخیزند و حق مطالب را چنانکه هست ادا کنند؟ به عنوان جمله معترضه می نویسم که من کتاب «خلیج فارس» سر آرنولد . ت. ویلسن سرهنگ انگلیسی را از دیگر کتابهای همدوره و یا هم شأن آن جدا می دانم. آنچه را که او در کتاب خلیج فارس نوشته است اگر چه با تمایلات انگلیسی ما بانه نوشته شده است ولسی آنها را دور از واقعیت تاریخی و استنباط علمی و ضبط صحیح در نقل و هشاری عالمانه در نقد نمی دانم. همچنانکه کتاب بسیار عالمانه سر اورل استین دانشمند و مورخ و باستان شناسی که تمام مناطق کوه گیلویه و بختیاری و فارس و خوزستان و لرستان و کردستان و آذربایجان را دیده و تحقیق کرده و کتاب مهم و معتبر و بسیار غنی و عظیم «راههای قدیم غرب ایران» را نوشت و بیادگار گذارد، هرگز از اعتبار علمی و تحقیقی نخواهد افتاد، اگر چه سر اورل استین انگلیسی نوشته است و بروز گاردام گستردهای استعمار انگلیس بر مناطق اطراف اقیانوس هند نوشته شده است.

نمونه دیگر اینگونه کتابها که بزبان انگلیسی نوشته شده و حقاً تاج جهان باقی است این کتاب برای ایرانیان مرجع و مأخذ و قابل استفاده و اشاره و

1. Arab Navigation in the Indian Ocean before the Coming of the Portugueses. By G . R . Tibbetts. London. 1971.

استناد است کتاب «تاریخ دریا نوردی ایرانیان» است که به سال ۱۹۲۸ میلادی در لندن و بزبان انگلیسی چاپ شده است.^۱ مؤلف مغفور این کتاب مرحوم پرفسور هادی حسن است که بی گفتگو، بدون ریا و با اجتهاد علمی و بدون چشم داشت ادنی سودی مادی یا اداری یا شناخته شدن نزد ایرانیان این اثر علمی گرانقدر را از خود بیادگار گذاشته است.

درفصل (دریا نوردی ایرانیان) شخصیت و صداقت علمی مرحوم پرفسور هادی حسن مورد تعظیم و تکریم و حقیقتاً دکتتر سید احمد مدنی در کتاب «محاكمه خليج فارس نویسان» نیز واقع شده است و از کتاب او در رد عقائد لرد کرزن و واقعیات تاریخی دریا نوردی ایرانیان را نقل کرده است.
مدنی در دنباله این مقال از مؤلفینی چون پاول جلیناس و روبرت شارف، دکتر ژرژ حورانی، اج. جی. ولز، ریموند پست گیت، ادوارد گیبون و برخی نظرات آنان یاد کرده است، ولی من بسیار در شگفت شدم چگونه کتاب دریا نوردی عرب حورانی را با این سادگی و سرعت از نظر گذرانیده و چگونه است که متوجه آنهمه اشتباهات ژرژ حورانی یا غرضهای او نشده و یا نخواسته است اشتباهات یا غرضهای حورانی را باز گو کند و با استدلال رد نماید، با آنکه بخوبی میدانم که هم دکتتر مدنی زبان انگلیسی را بخوبی میداند و هم ترجمه فارسی کتاب دریا نوردی عرب در دریای هند ژرژ حورانی از انتشارات فرانکلین به ترجمه دکتتر محمد مقدم را دیده است.

از صفحه ۵۶ کتاب بیعد باز گوی تواریخ ایام و حوادث زمان است که در تاریخ دراز این قطعه از جهان رویداده است و بسبب تخصص علمی و فنی مؤلف در امر دریا نوردی که خود فرماندهی دریا دارو ناوران است از سوابق ایام تواریخ و حوادث سالفه سخنهای شنیدنی و استنتاجهای خواندنی بدست داده است.

از دریای چین و دریای هند و شعر سعدی در چین و تجارت ایرانیان با چین و افریقا و عربستان از راه دریا و سرگذشتها و کتب تواریخ قدیم صدها مطلب نوشته اند که همه آنها خواندنی است. ساختن قطب نما و اختراعات ایرانیان در دریا نوردی و سندی منسوب به معاویه خلیفه در باب دریا نوردی ایرانیان و شعر سعدی بزبان مردم چین از نوشته سیاح اندلسی ابن بطوطه، سخن از رهبان و

1 - Hadi Hassan . A History of Persian Navigation . London, 1928.

رهنامه و ناخدا و نوخدا و راه یابی و (راه نمایانی) و علائم دریا نوردی و نقشه کشی دریائی و نقشه قطب الدین شیرازی برای ارغون خان مغول و راههای دریائی آن نقشه و امثال این مقولات با استناد به مدارك و اسناد تاریخی و بازمانده و منقول درمتون، جای جای سخن بسزا آمده است.

از صفحه ۷۸ کتاب عنوان فصل «دوران انحطاط است» و آمدن پرتغالیان و سرگذشت جزیره هرموز و طلایه های استعمار و آغاز نبردهای اروپائی با ایرانی و فارسی ذکر شده است .

از صفحه ۸۶ بیعد با عنوان (پرتو پیروزی) اقدامات شاه عباس اول و امام قلی خان فاتح جزیره هرموز و گمبرون و جنگهای هرموز و قلعه هرموز در این فصل مطرح است و از صفحه ۱۰۲ بیعد با فصل «درخششی دیگر» انحطاط صفویه و حمله افغان و ظهور نادر شاه و اقدامات نادر شاه در خلیج فارس و جنگهای نادر شاه در عمان و بصره و ایجاد کارگاه کشتی سازی بوشهر موضوع سخن کتاب است.

خلیج فارس در پهنه کارزار، حرکت به سوی بصره ، اردو کشی به بحرین اردو کشی به عمان، اردو کشی به جلفا و مسقط و تلاش پس از رکود و مجاهدات کریم خان زند در خلیج فارس تا صفحه ۱۲۹ کتاب ادامه دارد .

از صفحه ۱۳۰ بیعد و تا صفحه ۱۳۸ حوادثی که بر خلیج فارس و دریای عمان در دوران قاجار و مشروطیت گذشته است شرح داده شده است. صفحه ۱۳۹ کتاب سر آغاز فصل (داستان راهزنان دریائی) است که از طایفه جواسم یا قواسم جزیره قشم و بهانه های سیاست استعماری انگلیس، میرمهنّا ، جزیره خارک سخن می رود و به بحث کوتاهی با عنوان : «از این نمذ کلاهی نیز به روسها رسید.» پایان می پذیرد.

در این مقوله سخن باید گفت که میرمهنّا آنچنان که مؤلف محترم او را شناسانده اند و مرحوم احمد فرامرزی هم بدتر از آن او را در رساله جزیره خارک خود شناسانده بود، نبوده است .

آقای مدنی استناد خود را تنها به نقل قول از مرحوم احمد فرامرزی کافی دانسته است. در حالیکه چنین نیست. رسالات و مدارك یا زمانده از دوران زند و قاجار در بایگانی وزارت امور خارجه، در مکاتیب مرحوم سرتیب احمدخان کبابی بندرعباسی، در حقایق الاخبار ناصری و کتابهای دیگر خورموجی و امثال آن باقی مانده است که معلوم می دارد میرمهنّا واقعا مردی وطن پرست بود و هرگز راهزنی نکرد و جز به استقلال قوم ایرانی (که از دیدگاه او طوائف لیرای ساکن

سواحل خليج فارس بين بندرديلم و خورموج شاخص و قسمتی از آن بوده اند (نيندیشده است. بی اطلاعی و سادگی مردی شجاع و مبارز و وطن پرست مانند ميرمهنا نمی تواند دليل برخيانت او نسبت بوطن باشد. فعلا در اين مقاله جای بحث مفصل و مستدل در اين خصوص نیست.

فصل ديگر کتاب که بس کوتاه و اشاره گون است برده گری و قاچاق اسلحه است که صفحات ۱۵۶ تا ۱۶۲ کتاب را در بر می گیرد .

* * *

سخن من با مؤلف ارجمند بيداردل آگاه کتاب ایست که نه تنها بلگریو و کرزن و استیف و حورانی و تینیس و امثال آنان بعد و یا به سهو حقایق تاریخی و قطعی خليج فارس و دریای عمان را تحریف نموده اند و وارونه جلوه داده اند بلکه عرب زبانهائی مسلمان مانند صلاح عقاد ، ابراهيم خوری ، عزة حسن و دهها از این قبیل علماء صد سال اخیر و بخصوص سی چهل سال اخیر دست بکار تحقیق و تحریر زده اند که با غرض عمد بتحریف و قلب حقایق و واقعات تاریخی و علمی درباره مسائل گوناگون خليج فارس دست یازیده اند (من صورتي از حدود دوست و اندی کتاب بزبان عربی و بهمین حدود کتاب بزبان انگلیسی و فرانسه و آلمانی و روسی و ایتالیائی از کتابخانه مرکزی قاهره یعنی دارالکتب القومية و الوثائق دریافت داشته ام که بهمت دوست دانشمند بزرگوارمان جناب مبشر الطرازی رئیس قسمت شرقی آن کتابخانه فراهم آمده و برای من از راه لطف فرستاده اند .) بیشترین این تحقیقات بخصوص در زبان عربی همه در جهت غرض ورزی نسبت بحقایق تاریخی مربوط به سابقه و حاکمیت و فعالیت ایرانیان در این دریای کهن است. يك نمونه دیگر برایتان می نویسم و دیگر سخن را می برم و اگر چه عرض خود برده باشم زحمت شمارا روا نمی دارم . در يك دوره پانزده بیست ساله هیئت از دانشگاه آرهوس کپنهاگ دانمارک در سواحل جنوبی خليج فارس از کویت گرفته تا بحرین و امارات و عمان و مسقط به کاوشهای باستانشناسی پرداخته اند و حاصل تحقیقات و مطالعات آنها در مجله دانمارکی کومل KUML با خلاصه ای بزبان انگلیسی در تمام سالهای حفاری و تحقیقات منتشر شده است و دوفتر از مشهورترین علماء باستانشناسی دانمارک بنام پرفسور گلوب و دستیار دانشمندش پرفسور بیبی ابتدا کتابی را نظارت کرده و منتشر نمودند بنام « در جستجوی دیلمون » و بعد از نوشتن رسالات و مقالات دیگری، کتاب در جستجوی

دیلمون در کشور فرانسه بزبان فرانسوی با توضیحات و اضافاتی ترجمه گردید و نام کتاب را «دیلمون، اکتشاف قدیم ترین تمدن جهان» گذاشتند .
 من سرگذشت این کتاب و چگونگی قلب حقایق شواهد فرهنگ مادی و آثار مکشوفه باستانی و سکه ها و مهره ها و نقش و نگارها را که با عمد از زمان چاپ کتاب در نسخه انگلیسی به سال ۱۹۶۲ میلادی تا زمان چاپ نسخه بزبان فرانسوی در ۱۹۷۱ میلادی تغییر داده اند و چگونگی غرض ورزیهایی که نسبت به سابقه و تاریخ و تمدن ایرانی در این نواحی کهنه ایرانی صورت گرفته است را شرح داده ام و در مجله راهنمای کتاب تحت عنوان «یادگاری از دیدار با جما لزاده» نشر کرده ام .

حقیقت آنست که در سی چهل سال اخیر علم و دانش بسیاری از علما و خدمت زور و زر قرار گرفته و تا ما یعنی مردم ایران جاهل و متمصب و بی اطلاع و کم مایه و کم کار و بی بصیر تیم .

هر غیر ایرانی و یا ایرانی غیر صمیمی یا بی انصاف و دور از صداقت و اعتدال علمی به قومیت ما ، به تمدن ما به فرهنگ ما ، به زبان ما ، به منافع اقتصادی و سیاسی و شرف و احترامات ما خنجر می زند و مارا از ریشه می خشکاند .
 بر آگاهان و دارندگان صفت علم و اعتدال و حقیقت پرستی و حق طلبی است که قد علم کنند و مبارزه کنند و نگذارند این هواریت چند هزار ساله فرهنگی بشریت که در این گوشه از جهان ، ما ایرانیان سهم مهم و مطلق از آن را داریم بدست خرابی و فنا و ریشه کنی و فراموشی و اضمحلال و انحطاط و تغییر و تبدیل بپسارند .
 باشد که روزی دل و جان فرزندان ما زنده شود و بگذشته های پرافتخار خود بیندیشند و بر سر غیرت و همت باز آیند و چنان کنند که پدران کهن ما کرده اند .
 بی شک در این رهگذر کسانی مأجورند و مشکورند که در این سالهای تباهی قدمی برداشته باشند و قلمی زده باشند و اثری راه گشای و آگاهی ده و مستند برای فرزندانمان باقی گذاشته باشند و الا عمر تلف کرده و ایام بیهو گذرانیده ایم .

کار دکتر سید احمد مدنی در تألیف نفیس او بی شک مأجور و مشکور است و امید آن دارم که مجلد دوم کتاب خلیج فارس نیز بزور طبع آراسته گردد و با وسعت و شمول بیشتری کتابهارا بخوانند و عقائد و آراء را به بحث و نقد بکشند .